



نامة ماهانه ادبی ، تاریخی ، علمی ، اجتماعی

شماره

یازدهم و دوازدهم

بهمن و اسفندماه

۲۵۳۵

آرشیو

سال پنجاه و هشتم

دوره - چهل و پنجم

شماره - ۱۲۹۱۱

تاسیس بهمن ماه - ۲۴۷۷

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحیدزاده دستگردی (نسیم))

(سردبیر : محمد وحید دستگردی)

دانشمند فقید سعید نفیسی

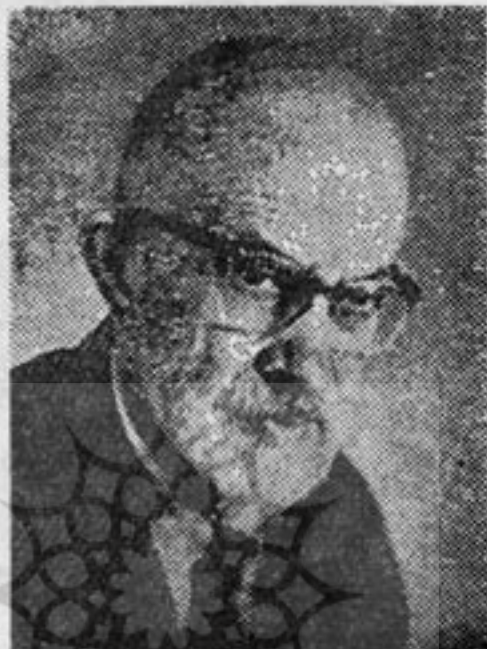
يك مکتوب ادبی

از دماوند ۲ جوزا ۱۳۰۲

دانشمند بزرگوار و محقق و نویسنده نامدار شادروان سعید نفیسی جزء نخستین گروه اعضای انجمن ادبی ایران بود که در جلسات انجمن در سال ۱۳۰۲ شمسی در خانه مسکونی مؤسس انجمن استاد فقید وحید دستگردی در انتهای پامنار ، کوچه خداینده لوها شرکت میجست . مکتوب ادبی ذیل را وی در همان تاریخ نگاشته که مطالعه آن با پاسخ و اظهار نظری که مرحوم وحید نموده سودمند و مغتنم خواهد بود .

استاد عزیزم - شماره اول سال چهارم آرمغان را از طهران امروز برای من فرستاده اند و خیلی از زیارت آن مشعوف شدم با آن همه مشکلات که از

نزدیک می دیدم هیچ گمان نمی کردم به نشر این شماره موفق شوید و انتظار داشتم
ارمغان هم مثل سایر مجلات پاك دامن و نشریات ادبی تعطیل شود . چه کنم محیط



مرا بدین کرده است ولی اینک می بینم تنها شما هستید که مشکلات را هم کوچک
می شمارید واقعاً بر این همت بزرگ و فداکاری شما تبریک می گویم و توفیق
دائمی شما را در این خدمت مقدس آرزو دارم از قسمت های این شماره صفحه ۳۳
بیشتر توجه مرا جلب کرد . احیای اشعار دیوان حکیم نظامی خدمت بزرگی
به ادبیات ایران است و این خدمت هم البته بدست شما باید صورت بگیرد
چه بقول فرخی :

قدر سخن را سخن شناس شناسد اهل ادب را ادیب داند مقدار

من هم خیلی علاقه به اشعار نظامی دارم و از همان ساعتی که شنیدم این
حکیم بزرگ ایران قصاید و غزلیات داشته است در تفحص اشعار گم شده وی
برآمدم متأسفانه نسخه دیوان او بدست نیامد ولی از تذکره ها و جنگ های

مختلفه يك مقدار اشعار او را بمرور زمان و در نتیجه چهار سال کاوش پیدا کردم و مجموعه حاصل شده است که گویا قریب چهارصد و شانزده بیت باشد و آن مجموعه هم بخط خود من در طهران موجود است نوشتم که عیناً همان نسخه را بحضور محترم شما بفرستند و از روی آن در صحایف ارمغان نقل کنید .

ولی چون نسخه منحصر است و عجالاً نعمت بازیافتی است تمنا دارم مقرر دارید پس از استنساخ نسخه را مسترد دارند ولی در باب تغزلی که در این شماره ارمغان در صفحه ۳۶ از مجمع الفصحا باسم نظامی نقل کرده اید ایراد دارم زیرا که این تغزل در تذکرة الشعرای دولتشاه سمرقندی باسم شاهفور شهری نیشابوری شاگرد ظهیرالدین فاریابی و مؤلف رساله شاهفوریه در استیفا که از شعرای قرن هفتم و معاصر با سلطان محمد بن علاءالدین تکش خوارزم شاه بوده است ثبت شده و چون من دولتشاه را موثق تر از مؤلف مجمع الفصحا میدانم عقیده ندارم که این تغزل از اشعار حکیم نظامی باشد .

در تذکره دولتشاهی هم چند بیت از این تغزل هست که در مجمع الفصحا نیست چون فعلاً هیچ کتاب همراه ندارم نمی توانم به تذکره دولتشاهی رجوع کنم و بقیه اشعار این تغزل را بنویسم فقط این چند شعر را که از همان تغزل در خاطر دارم می نویسم و البته رجوع خواهید فرمود و در آنجا بقیه اشعار را پیدا خواهید کرد . اینست ابیاتی که در خاطر من است ولی در ارمغان درج نشده بود :

نظم پروین خوب تر یا در و یا دندان تو
قامت تو راستر یا سرو یا گفتار من

وصل تو دلجوی تر یا شعرهای نغز من
 هجر تو دلسوزتر یا ناله های زار من
 وعده تو گوژتر یا پشت من یا ابرویت
 قول تو بی اصل تر یا باد یا پندار من
 چشم تو خونریزتر یا چرخ یا شمشیرشاه
 غمزه تو تیزتر یا تیغ یا بازار من

در خانه هم بنظرم آمده که این تغزل را در جای دیگر نیز با اسم شاهفور دیده‌ام و حتی بیت دوم از ابیات فوق آنجا در ماقبل آخر ثبت شده و این شکل مسطور گردیده است :

وصل تو دلجوی تر یا شعرهای شاهفور
 و این هم چندان به تحریف و تصرف نمی‌ماند و میتوان قبول کرد که شاعر تخلص خویش را هم در این تغزل آورده است :

در هر صورت در این گوشه روستا بدبختانه از همه چیز آواره و حتی چند جلد کتاب هم در دسترس ندارم که با استقصای کامل این مسطور عرض کنم شما از من سعادت‌مندتر هستید که اقلاً در شهر زندگی می‌کنید و می‌توانید در این موضوع به کتب رجوع فرمائید .

راستی از اعضای انجمن ادبی بهیچوجه خبر ندارم نمیدانم همکاران محترم من در این مدت کار بر جسته کرده‌اند یا خیر در هر صورت استدعا دارم از تبلیغ سلام خالصانه من نسبت به دوستان ادبی و همکاران محترم خودداری نفرمائید.
 بنده شما (سعید نفیسی)

مکتوب فوق را فاضل معاصر و شاعر ماهر آقای سعید نفیسی عضو محترم

انجمن ادبی ایران در موقع مسافرت و مأموریت از طرف وزارت فوائد عامه بدماوند بنگارنده ارمغان نگاشته و چون حاوی بر یک سلسله مطالب ادبی سودمند بود عیناً درج گردید. چنانکه فاضل معاصر مرقوم فرموده اند تغزل مزبور در تذکره دلتشاه با اسم شاهفور ضبط شده و تصدیق داریم که اقرب بواقع و حقیقت است. مجموعه که از اشعار نظامی اشاره به ضبط آن کرده بودند نیز به اداره ارمغان واصل گردید.

در حقیقت بار زحمت بزرگی را فاضل محترم از دوش ما برداشتند و آنچه را بایستی در مدت یکسال و دو سال با زحمت تحصیل کنیم حاضر و آماده برای ما ارسال فرموده اند.

آری علت مبقیه اشعار رائفه و ادبیات فائقه اسانید سخن وجود اینگونه ادبای دانشمند است که همواره اوقات خویش را صرف اینگونه خدمات کرده و آثار گرامی اسانید را در هر دوره از دستبرد حوادث مصون داشته اند.

از جمله آثار فاضل معاصر ما آقای سعید نفیسی تذکره جامع و کتاب مبسوطی است که در شرح حال شعرای فارسی زبان و تاریخ شعر و ادب تألیف کرده و مثل نویسندگان ماهر اروپائی بشرح حال و دقائق احوالات شعرای سلف و خلف پرداخته اند و اینک آن کتاب قریب الانعام است.

آری اگر محیط جهل پرور ادب کش از امثال اینگونه ادبای جوان فکر قدرشناسی و استفاده میکرد ادبیات ما تا این پایه پستی و این مایه سخافت تنزل نمیکرد. ولی چه باید کرد تا محتشم السلطنه ها در این مملکت وجود دارند و زمامداری علم و ادب را وسیله پیشرفت اغراض جاهلانه قرار میدهند باید نفیسی ها

در بیابان‌ها سرگردان باشند یعنی هنرمندان باید بمیرند و بی‌هنران جای آنان را بگیرند. ابانک شماره ۱۲۹۱۱ در این باره می‌نویسد:

یکی دیگر از دوستان ادیب ما بما وعده می‌دهد که دیوان اشعار غزل و قصاید نظامی را در اصفهان موجود دارد و باداره ارمغان خواهد فرستاد ولی این مسئله از بس غریب بنظر میرسد هنوز جرأت ندارم که نام آن دوست را ببرم و هرگاه چنین کتابی پیدا شود باید ادبای ایران جشن‌ها گرفته و پیداکننده را بنام نامی حکیم نظامی تقدیس و تقدیر و ستایش کنند.

باری ابانک از این شماره بتدریج اشعاری را که آقای نفیسی جمع فرموده‌اند بطبع و نشر می‌پردازیم و امیدواریم آن کتابی که دوست دیگر ما وعده می‌دهد عنقریب بما برسد و عالم شعر و ادب رونقی تازه پیدا کند.

وحید

بنج نابه‌ی بیهمال سخن فارسی که هر یک در شیوه و روش مخصوص بخود مبدع و مبتکر بوده و پایه سخن را بمرحله‌ای رسانیده که برتر و والاتر از آن غیر ممکن و بقول شیخ اجل شیراز حضرت سعدی: (حد همین است سخندانی و زیبایی را) بترتیب قدمت زمانی عبارتند از: فردوسی، نظامی، سعدی، مولوی و حافظ.

(ارمغان)